

شهید عبدالواحد تهدیدها را به جان خرید

دوشنبه ۱۴۰۱/۱۲/۱۷ جمادی الاول ۱۴۴۴ | ۱۲ دسامبر ۲۰۲۲ | سال پانزدهم | شماره ۳۶۵۱ | ۸ صفحه | ۲۰۳ تومان

وطن امروز

VATANEMROOZ.IR

۱۸۴ سال و ۶۸ روز گذشت



مراسم تشییع پیکر رستم قاسمی صبح دیروز در تهران برگزار شد

بدرقه مرد روزهای سخت

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL. 15 | NO. 3651 | MON. DEC. 12, 2022 | ISSN: 2008-2886



حضور چین در حیاط خلوت آمریکا

و نیم‌نگاه سعودی به شرق، نشانه تلاش همپیمانان آمریکا برای تطبیق سیاست‌های خود با نظم جدید جهانی است

علیه آمریکا

صفحات یک و ۷

تیتراهای امروز

سران ۳ قوه در نخستین همایش ملی ارتقای شفافیت، بر این اصل به عنوان راهکار مقابله با فساد و ناکارآمدی تأکید کردند

پیمان شفافیت



میانگین ورودی آب به سد های کشور از ابتدای سال آبی جاری نسبت به سال گذشته ۱۴ درصد افزایش یافت

حال خوب سدها

برف و بوران برخی راه‌های مواصلاتی را بیست و شاکر دان در دستکار با وجود حواشی وطن فروش‌ها به فینال جام جهانی آمریکا صعود کردند

پژمان علیه گفتارها

این پژمان واقعا دستکار است

قیمت دلار در صرافی‌ها به کانال ۲۵ هزار و در بازار غیررسمی به ۲۷ هزار تومان رسید

گرد و خاک پاییزی دلار

سیاست بانک مرکزی در بازار ارز صیانت از ذخایر و تعمیق بازار رسمی است

دیدگاه

فتح دوباره اندلس توسط شیرهای اطلس سایه شیرها در شانزه لیزه

شروین طاهری / دوحه: درخشش چشمگیر ستاره‌های تیم ملی مراکش در نخستین جام جهانی به میزبانی مسلمانین، افقی روشن پیش روی مشرقی‌ها ترسیم می‌کند. شکست دادن مقتدرانه اسپانیا و پرتغال، ۲ قدرت برتر دنیای فوتبال که هر کدام در دهه اخیر دست کم یک عنوان قهرمانی یورو را - مهم‌ترین بدیل فوتبالی جام جهانی - داشته‌اند و از منظومای از ستاره‌ها و بالاترین سطح فوتبال باشگاهی حرفه‌ای جهان بهره‌مند هستند، در ظرف تنها ۴ روز، به خودی خود یک دستاورد است؛ دستاوردی که نشان می‌دهد جایگاه تاریخی شیرهای اطلس در جمع ۴ تیم برتر جهان چه ارزشی دارد. نوادگان طارق، فرمانده بزرگ بربرتبار سپاه اسلام با شکست دادن هر ۲ قطب صاحب فوتبال شبه‌جزیره ایبری در بالای سر خود، بار دیگر یادآوری کردند چرا نام تنگه میان مراکش و اروپا، جبل الطارق نام دارد. این پیروزی بزرگ ورزشی، برای بسیاری از مسلمانان و اعراب، حکم فتح دوباره اندلس را دارد؛ نکته‌ای که یکی از سرشناس‌ترین گزارشگران فوتبال عرب و وزیر خارجه قطر نیز در روزهای اخیر جام جهانی اشاره کرده‌اند. نکته قابل تأمل آنکه حالا باید مراکش را برابر یکی از استعمارگران پیرقاره سپاه ببینیم. تقابل شیران اطلس و فرانسه قطعاً یکی از جذاب‌ترین نبردهای تاریخ جام جهانی خواهد بود. ۲ کشور از ۲ فرهنگ متفاوت اما از لحاظی به واسطه سابقه استعمارگری فرانسه در آفریقا، تنیده در هم در چند قرن اخیر. مراکش در تقابل با ۲ کشور همسایه‌اش در اروپا - اسپانیا و پرتغال - ثابت کرد برای پیروزی علاوه بر مسائل ورزشی، هزار و یک دلیل دیگر را در پیش دارد؛ همانطور که مارادونا و آرژانتین برای دیدار مقابل انگلیس در سال ۱۹۸۶ به‌پهانه‌ها پیدا و پنهان فراوانی داشتند؛ شبی که مارادونای کبیر، یک‌تنه انتقام جنگ فالکلند را از استعمارگر پیر گرفت. مارادونا در خاطراتش می‌گوید همه قبل از بازی به یکدیگر می‌گفتیم این تنها یک بازی ورزشی است و نباید چندان حساسیت کنیم اما همه می‌دانستیم این حرف کاملاً چرت و بی‌پایه است. آرژانتین آن روز برای بردن انگلیس بیش از هر زمان دیگری انگیزه و پهانه داشت و به بهترین شکل ممکن با گل‌هایی تاریخی، نبرد را به نفع خودش تمام کرد.

حالا نوبت مراکش است؛ شیرهای آفریقا که نشان داده‌اند برای یک شکستی کاملاً بزرگ و تاریخی آماده‌اند. آنها توان عبور از این فرانسه را دارند؟ چرا نه؟! تیمی که موفق می‌شود آن نتایج درخشان را تا اینجا کار بگیرد، مگر برای بردن فرانسه چه کم دارد؟

ادامه در صفحه ۶

چگونه در دام تحلیل‌های ضدایرانی در ماجرای توافق اقتصادی چین و عربستان نیفتیم؟

تضعیف آمریکا؛ راهبرد مشترک ایران و چین

چین را به منطقه باز کرد و نشان داد می‌خواهد نقش فعالی در جنگ تجاری پکن - واشنگتن داشته باشد. دولت آمریکا بارها اعلام کرده است مسائل منطقه غرب آسیا یا اروپا برایش در درجه اهمیت کمتری نسبت به رقابتش با چین قرار دارد. نظریه‌پردازان و مشاوران سیاست خارجی باین بارها اعلام کرده‌اند جنگ اوکراین، پرونده هسته‌ای ایران و دیگر مسائل خارجی به اندازه رویارویی با چین، در اولویت دستگاه سیاست خارجی آمریکا قرار ندارد و ریاض حال‌ناشان داده است می‌خواهد جزئی از این جنگ باشد. سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است: اگر رقابتها قرار است بین آمریکا در یک سوی میدان و چین و عربستان در طرف دیگر باشد، دلیل افزایش فشارها بر ایران چیست؟ در پاسخ به این سئوال باید به این اشتباه محاسباتی عربستان - یا حتی چین - پرداخت که خلا قدرت آمریکا در منطقه، با روابط اقتصادی یا حتی خوش‌ویش‌های دیپلماتیک پر نمی‌شود. حتی با همکاری‌های امنیتی عربستان و رژیم صهیونیستی از نیز پر نمی‌شود و اجازه نمی‌دهد عربستان و متحدانش جای آمریکا را در منطقه بگیرند. دلیل این امر این است که قدرت آمریکا در منطقه، در طول چند دهه گذشته، نه دیپلماتیک بوده است و نه سیاسی و اقتصادی. قدرت آمریکا در منطقه غرب آسیا در طول تاریخ، یک قدرت نظامی بوده است که تنها با یک قدرت نظامی پر می‌شود؛ قدرتی که از هر لحاظ مستقل از آمریکا و متحدانش در منطقه باشد و البته با تکیه بر دانش بومی به درج‌ت بالای تولیدات نظامی رسیده باشد. اگر ایالات‌متحده در شرایط فعلی فشارها بر ایران را افزایش می‌دهد و مسؤولان دولت باین هر روز راجع به قدرت موشکی، پهپادی و نظامی ایران ابراز نگرانی می‌کنند، دقیقاً به همین خاطر است. ایران اتفاقاً برای مدیریت منطقه، کارنامه بسیار موفق‌تری از خود به نمایش گذاشته است. در طول یک دهه گذشته، روابط ایران با همسایگانش از حوزه اشتراکت ایدئولوژیک به منافع مشترک امنیتی و اقتصادی رسیده و در عین حال کارنامه بر خورند نظامی‌اش با قدرت‌های منطقه‌ای

نیابتی آمریکا و چین در حوزه اقتصادی بود اما به خاطر تحریم‌های آمریکایی، این زمین نمی‌توانست چندان کمکی به پکن در قدرت‌نمایی‌اش در مقابل جبهه غربی داشته باشد. پکن اگر چه می‌داند ایران قلعه محکم ضد آمریکایی در منطقه است و دعوت اعراب از رئیس‌جمهور چین نشانه افزایش قدرت و ظرفیت ایران در منطقه است اما به دنبال انتخاب زمینی بود که اتفاقاً از نظر اقتصادی نزدیکی بیشتری به غرب بویژه ایالات متحده داشته باشد و چه کشوری در منطقه بهتر از عربستان؟ سعودی در این میان اما توهمات خاص خود را درباره شرایط منطقه دارد و به سرعت جذب بازی جدید پکن شده است. محمد بن سلمان که رابطه خوبی با دموکرات‌ها در آمریکا ندارد، نمی‌توانست ۴ سال در انتظار روی کار آمدن دوباره ترامپ یا جمهوری خواهی که رابطه نزدیکی با عربستان داشته باشد، بماند و به این ترتیب به فکر افتاد شاید بهتر است این بار، هم در ضدیت با دولت باین و هم برای ایجاد موازنه با قدرت ایران، سفره رنگینی برای رئیس‌جمهور چین بپاراند. حمایت نکردن سعودی از اوکراین در جنگ با روسیه و قبول نکردن درخواست باین برای افزایش تولیدات نفتی‌اش جهت تحت فشار قرار دادن روس‌ها همه می‌تواند در راستای تلاش حکومت سعودی برای تطبیق سیاست‌های خود با نظم جدید جهانی ازبانی شود. بن سلمان به دنبال جدا کردن کشورش از آمریکا و پیگیری سیاست‌های مستقل‌تر در حوزه روابط خارجی است. دولت باین از این مساله به شدت دلگیر شد اما فکر می‌کند تا زمانی که روابط رژیم آل سعود با متحد اصلی‌اش در منطقه، یعنی رژیم صهیونیستی خوب است، می‌تواند در نهایت ریاض را هم در حوزه مسائل امنیتی با خود همراه‌استا کرده یا در برخی موارد، از استقلال کمی که این کشور از خود نشان می‌دهد، چندان ناراحت نباشد. مساله رابطه تجاری با چین اما محاسبات دولت باین را نیز بر هم زد. عربستان سعودی با این کار نشان داد شمشیر را برای باین از رو بسته و اگر بتواند، از هیچ کاری برای زمین زدن دولت او یا رأی آوردن رقیب جمهوری خواهش در انتخابات بعدی فرود گذار نمی‌کند. عربستان عملاً پای

این کشور از منطقه غرب آسیا تفسیر شد، مسؤولان دولت باین درباره ایجاد خلا قدرت در منطقه نگران بوده و از این مساله هراس داشتند که ایران با روسیه تلاش کنند از عدم حضور آمریکا در منطقه استفاده کرده و دست به مدیریت آن بدون حضور آمریکا بزنند که البته این ماجرا به معنای از دست رفتن منافع آمریکا و متحدانش در منطقه نیز بود. دولت ایالات متحده با کوتاه نیامدن کشور را در گیر جنگی کرد که به گفته سخنگوی وزارت خارجه روسیه، آمریکایی‌ها دوست دارند حداقل تا سال ۲۰۲۵ نیز ادامه داشته باشد. بر همین اساس دولت باین اجازه هیچ گونه مذاکره بین کیف و مسکو را نمی‌دهد و همچنان به ارائه کمک‌های مالی و تسلیحاتی به اوکراین می‌پردازد. در این سیاست اما تلاش شد اطمینان حاصل شود ایران نیز به واسطه افزایش فشارها و احیا نشدن توافق هسته‌ای، توانایی مسلط شدن بر منطقه و جایگزین آمریکا شدن را پیدا نمی‌کند. دیگر قدرت‌های منطقه مانند ترکیه، قطر و حتی عربستان و امارات نیز هر کدام به نوعی مهار شدند تا خلا قدرت، باعث شکل گرفتن یک قدرت منطقه‌ای دیگر نشود.

یادداشت
نمائه اکوان: یکی از مهم‌ترین اشتباهاتی که هر تحلیلگر حوزه روابط بین‌الملل ممکن است در تحلیل یک خبر با آن روبه‌رو شود، بررسی مساله از دیدگاه شخصی یا تکیه بر دانسته‌ها و اطلاعات کشوری و منطقه‌ای خودش است. مسائل مرتبط با روابط بین‌الملل، مسائل مرتبط با کشورهای مختلف با سیستم‌های سیاسی و طرز فکر و ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف است و در تحلیل تصمیم‌ها باید نوع نگاه کارگزاران سیاست خارجی در هر کشوری به صورت مجزا بررسی شود. مساله‌ای که طی چند روز گذشته نشان داد در داخل کشورمان هنوز هم برخی تحلیلگران از «نگاه ایرانی» و بدون توجه به اتفاقات و مسائل بین‌المللی به تحلیل رفتار دیپلمات‌ها و کشورهای دیگر می‌پردازند، موضوع بازدید اخیر رئیس‌جمهور چین از عربستان و توافق‌های اقتصادی و تجاری شکل گرفته با این کشور و در امتداد آن، بیانیه جنجالی‌ای است که پکن و ریاض بعد از این دیدار منتشر کردند. نکته مهم در تحلیل اقدامات چین و نوع رابطه‌اش با عربستان این است که نباید این اقدامات را در چارچوب فکری روابط چین-عربستان یا روابط چین با عربستان و ایران یا حتی روابط چین با کشورهای غرب آسیا تحلیل کرد. مساله‌ای که طی چند روز اخیر به بررسی تحلیل‌های کارشناسان بین‌المللی از قلم افتاده، بررسی رفتار چین در قبال عربستان در چارچوب نوع رفتار چین با آمریکا و رقابت ۲ کشور است که هر روز بیشتر از روز قبل در حال تبدیل شدن به جنگ تجاری جدید بین ۲ کشور است. اگر مسؤولان چینی در شرایط فعلی دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که پس از مدت‌ها ابراز علاقه و درخواست سران سعودی برای سرمایه‌گذاری پکن در این کشور، سرانجام به این کشور سفر کرده و بسته کامل سیاست‌های سیاسی - اقتصادی خود را در آنجا رونمایی کنند، ناشی از نوع تقابل چین با آمریکا است، نه صرفاً روابط پکن - ریاض یا پکن - کشورهای غرب آسیا. از زمان خروج آمریکا از افغانستان و عراق که به خروج

چین اما نگاه دیگری به دوران گذار به نظم جدید جهانی دارد. پکن بر این عقیده است حتماً نباید خلا قدرت آمریکا در منطقه با حضور پکن پر شود اما حزب حاکم چین می‌تواند از این فرصت نهایت استفاده را در ماجرای رویارویی اقتصادی‌اش با ایالات متحده ببرد. اگر چین به سمت همکاری مستقیم و شدیدتر با ایران می‌آید، به معنای تبدیل شدن ایران به زمین جنگ